

نقش سیاسی زنان درباری و دودمان سلطنتی در تاریخ ایلام میانه (۱۵۰۰-۱۱۰۰ پم)

اسفندیار رحمتی کیا^۱/کلثوم غضنفری^۲

چکیده

بررسی نقش زنان در عرصه‌های گوناگون تاریخ ایلام از جمله مسائلی است که همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. با این حال، تاکنون تحقیقات بیشتر بر نقش مذهبی زنان تأکید کرده و کمتر به نقش سیاسی آنان پرداخته‌اند. این موضوع بیشتر از این نظر جلب توجه می‌کند که به‌رغم کمبود آثار برجای مانده از تاریخ ایلام، نقش سیاسی زنان به‌خوبی قابل ردیابی است. نوشتار حاضر سعی دارد چگونگی و میزان نقش سیاسی زنان ایلامی را از سده ۱۵ تا ۱۱ پم در قالب سه دودمان حکومتگر این دوره مطالعه کند. در این پژوهش علاوه بر منابع بومی و داده‌های باستان‌شناختی، از داده‌های غیربومی هم‌دوره نیز استفاده شده است تا بتوان به تصویری روشن‌تر از مبحث مورد نظر دست یافت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد زنان علاوه بر اینکه از اعضای مهم خاندان سلطنتی به‌شمار می‌رفتند، شاهان نیز به‌واسطه آنان بر سریر قدرت می‌نشستند. در این دوره قدرت زنان چنان افزایش می‌یابد که حتی در کنیه‌ها، شاهان اعطای پادشاهی به خویش را مرهون آنها می‌دانند. زنان دوره ایلام میانه با استفاده از قدرت و نفوذ خویش برای دست یافتن به مقبولیت به اقدامات مهمی از جمله ساخت معابد دست زدند که در نوع خود کم‌نظیر است. نپیر اسو و نهوتنه اوتو دو تن از بانوانی هستند که نقش سیاسی مهمی در تاریخ ایلام میانه داشته‌اند. واژگان کلیدی: ایلام میانه، زنان درباری، نقش سیاسی، ازدواج‌های سیاسی، نپیر اسو، نهوتنه اوتو.

The Political Position of Court and Royal Women in the Middle Elamite Period

Esfandiyar Rahmati Kia³/Kolsoum Ghazanfari⁴

Abstract

Study on the position of women in various fields of Elam history is one of the issues that have been considered by researchers. The studies, however, mostly has focused more on the religious role of women and less on their political status. This issue draws more attention, for that despite the deficiency of remained historical documents and evidences from Elam, the political role of women can be well traced. The present article seeks to study the manner and extent of the presence and political position of women in the history of Middle Elamite from the 15th to the 11th century BC. in the context of ruling dynasties in this period. The article, in addition to the use of indigenous sources and archaeological data, is attempting to use non-native data of the same period in order to obtain a clearer picture of the subject. Our reviews show that women, in addition to being important members of the royal family, the kings also sat on the throne of power through them. During this period, the power of women has increased so much that even in inscriptions, kings have considered themselves accepted by the gods due to their presence. The women of the Middle Elamite period, using their power and influence to achieve acceptance, have taken important measures, including the construction of temples, which is unique in its kind. Napir-asu and Nahhunte-utu are women who have played an important political role in the history of the Middle Elamite period.

Keywords: Middle Elamite Period, Court Women, Political Role, Political marriages, Napir-asu, Nahhunte-utu

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ باستان دانشگاه تهران. * تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۱ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

3. M.A Graduate of History, University of Tehran. Email: esfandiarkia@gmail.com.

4. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Humanities, University of Tehran.
Email: k.ghazanfari@ut.ac.ir.

مقدمه

براساس تقسیم‌بندی پژوهشگران، ایلام میانه به طور تقریبی دوره‌ای چهارصد ساله از ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ پم را شامل می‌شود که با سقوط سلسله سوکل‌مح‌ها آغاز می‌گردد. در این دوران که از آن با عنوان «دوران طلایی ایلام» یاد می‌شود، سه سلسله روی کار آمدند که به ترتیب عبارت‌اند از کیدینوها^۱ (۱۵۰۰-۱۴۰۰ پم)، ایگی‌هلکی‌ها^۲ (۱۴۰۰-۱۲۰۰ پم) و شوتروکی‌ها^۳ (۱۲۰۰-۱۱۰۰ پم).^۴

بنا بر اسناد و شواهد باقیمانده از این دوره، زنان در امور مختلف نقش داشتند و مهم شمرده می‌شدند. تحقیقات پژوهشگران در مورد حضور زنان ایلامی در عرصه‌های مختلف عمدتاً بر جایگاه مذهبی آنان متمرکز است. اما چگونگی و میزان حضور آنان در عرصه سیاست نیازمند بررسی و پژوهش‌های بیشتر و دقیق‌تر است که تحقیق حاضر درصدد پرداختن به آن است. محدوده زمانی مورد توجه پژوهش حاضر دوره ایلام میانه است که از دوره‌های مهم تاریخ ایلام به شمار می‌آید و اطلاعات ما از آن به نسبت دوره پیشین ایلام بیشتر است. متون و مهرهای به‌دست‌آمده و داده‌های باستان‌شناسی از قلمرو ایلام و سرزمین‌های همجوار غربی از منابع اصلی مورد استفاده در این پژوهش هستند که به ترتیب زمانی مورد تفحص و تحلیل قرار خواهند گرفت تا به مسئله اصلی پژوهش پاسخ داده شود.

پژوهش‌های فارسی و غیرفارسی اغلب کلی هستند و درباره موضوع مورد نظر مقاله حاضر به صورت تخصصی بحث نکرده‌اند. از مهم‌ترین پژوهش‌ها در این حوزه اثر آوریله دامس است. او در مقاله‌ای با عنوان «زنان ایلامی»^۵، بدون در نظر گرفتن بازه زمانی مشخص، در قالب مباحث کوتاه و با استفاده از داده‌های باستان‌شناختی، به بررسی فعالیت‌های زنان در جامعه، حکومت و مذهب پرداخته است. از نکات قابل تأمل در پژوهش او بی‌توجهی به آثار نوشتاری از جمله کتیبه‌هاست که در بررسی نقش زنان بسیار اهمیت دارند. از دیگر آثار مقاله‌ای با عنوان «جایگاه زنان در دوره عیلام» از مریم قاسمی و فاطمه قاسمی است^۶ که به صورت موجز در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به مطالعه جایگاه زنان در تمدن ایلام پرداخته است. بنابراین، وجه تمایز مقاله پیش‌رو تمرکز بر جایگاه سیاسی زنان، در نظر گرفتن محدوده زمانی مشخص (تاریخ ایلام میانه) و استفاده از تمامی داده‌های موجود برای پاسخگویی

1. Kidinuds

2. Ige-halkides

3. Shutrakids

4. Javier Álvarez-Mon, "Elam: Iran's First Empire", *A Companion to the Archaeology of the Ancient Near East*, First Edition, Edited by D.T. Potts (2012), p. 750.

5. Aurelie Daems, "women of Elam", *The Elamite world*, edited by Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks (New York: Routledge, 2018), pp. 763-781.

۶ مریم قاسمی و فاطمه قاسمی، «جایگاه زنان در دوره عیلام»، *رشد آموزش تاریخ*، ش ۲۳ (۱۳۸۵)، صص ۱۳-۱۸.

به مسئله مطرح شده است که از یک سو در روشن ساختن ابعاد مختلف تاریخ ایلام میانه گامی مهم محسوب می‌شود و از سوی دیگر در مطالعات تاریخی مربوط به زنان و حضور آنان در عرصه سیاست می‌تواند مفید باشد.

دودمان کیدینوها (۱۴۰۰-۱۵۰۰ پم)

کیدینوها^۱ اواسط هزاره دوم پم در دوره آشفته‌ای در حدود شوش و کَبَنک^۲ (هفت‌تپه امروزی؟) قدرت را به دست گرفتند.^۳ بر روی مهرهای کیدینو، بنیانگذار این سلسله، و مهرهای یافت‌شده از دوره او اطلاعات چندانی در مورد زنان دیده نمی‌شود. در واقع آگاهی ما در مورد پادشاهان نخستین این سلسله، و به‌ویژه در مورد زنان، اندک است، اما با توجه به سردیس‌هایی که از زنان و مردان این دوره پیدا شده است، می‌توان تا حدودی در این باره اظهار نظر کرد. در مهرهای شخصی نیز که اغلب مخصوص بزرگان و اشراف بوده‌اند، اطلاعاتی درباره صاحب آنها و سمتشان حک شده است. برای نمونه از دوره شاه بعدی، اینشوشینک شریلی^۴، مهری در دست است که متعلق به شخصی به نام ادد اریش^۵ بوده و او خود را رئیس سوارکاران و خدمتگزار شخص شاه معرفی کرده است (تصویر شماره ۱). به هر حال، بر مهرهای استوانه‌ای که از هفت‌تپه به دست آمده‌اند تصاویری از زنان دیده می‌شود، اما متأسفانه کتیبه‌های آنها ترجمه نشده یا اینکه کتیبه‌ای ندارند. برای نمونه بر روی مهر شماره HTCS ۲۸۹۴، مکشوفه از هفت‌تپه، تصویر زنی دیده می‌شود که روبه‌روی پادشاه ایستاده است. زن لباسی از آویزه‌های فلس مانند بر تن دارد که در دوره ایلام کهن این نوع پیراهن رایج بوده است. نکته جالب این است که قسمت پایینی لباس پادشاه نیز به پیراهن زن شباهت دارد. این زن همچنین دارای پیشانی‌بند تزئین‌شده‌ای به شیوه بزرگان است که شباهت فراوانی به سردیس‌های متعلق به این دوره دارد.^۶ بر روی این پیشانی‌بند که به احتمال فراوان از جنس فلزی گرانبها بوده است، تصویر مهره‌هایی دیده می‌شود که شباهت آن را به پیشانی‌بندهای این دوره بر روی سردیس‌ها افزایش می‌دهد. با توجه به ظاهر و تزئینات پیشانی‌بند و همچنین حضور این زن در کنار پادشاه، احتمالاً ملکه و یا دست‌کم زنان درباری از این پیشانی‌بند استفاده می‌کرده‌اند. متأسفانه کتیبه روی این مهر هنوز ترجمه نشده است، اما براساس ظاهر و مشخصات تصویر

۱. نام این سلسله برگرفته از نخستین پادشاه آن یعنی کیدینو است (دنیل پاتس، *باستانشناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی (تهران: سمت ۱۳۹۰)، ص ۲۹۷).

2. Kabanak

3. Florence Malbran-Labat, "Elamite royal inscriptions", *The Elamite world*, edited by Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks, (New York: Routledge, 2018), p. 468.

4. Inshushinak-shar-ilani

5. Add-erish

6. Javier Álvarez-Mon, "Elamite Funerary Clay Heads", *Near Eastern Archaeology*, Vol. 68, No. 3, Archaeology in Iran (2005), p. 116.

می‌شود حدس زد بانوی ایستاده ملکه یا شخص مهمی بوده است.^۱ یکی از مهم‌ترین فرمانروایان این دودمان به‌یقین تپتی اهر^۲ است. از دوره وی لوحه‌های نسبتاً زیادی در دست است که در برخی از آنها می‌توان مطالبی در مورد زنان و جایگاه آنان در زمان این پادشاه یافت. علاوه بر آن، تندیس‌های زیادی که از زنان برهنه و یا پوشیده در حفاری‌های هفت‌تپه به دست آمده، به شناخت جایگاه زنان کمک می‌کند. ایلامی‌ها در این دوره علاوه بر خط ایلامی از خطوط اکدی و بابلی نیز استفاده می‌کردند. چنانکه برخی از کتیبه‌های شاهان این دوره با استفاده از این خطوط نگاشته شده‌اند. در کتیبه‌ای نسبتاً بزرگ به طول ۱۱۰ سانتیمتر متعلق به تپتی اهر که در ساختمان تشریفاتی آرامگاه وی در ترنشه^۳ پیدا شده و دارای ۵۵ سطر البته نه به شکل کامل است،^۴ براساس ترجمه اریکا رایمر، تقریباً از سطر ۳۲ به بعد از کاهنه‌ای به نام وپی^۵ و در ادامه از وظایف نگهبانان زن که در «خانه» خدمت می‌کرده‌اند، صحبت شده است.^۶ در آجر کتیبه‌داری از این پادشاه که از شوش به دست آمده، شاه خود به زانی اشاره می‌کند که مورد لطف وی هستند. بی‌گمان این زنان از درباریان بوده‌اند که شخص پادشاه در کتیبه خویش از آنان یاد می‌کند. براساس ترجمه رایمر متن کتیبه به شرح ذیل است:

- | | |
|---|--|
| 1. m è-ep-ti-aḫa-ar EŠŠANA Šu-ši ṣa-la-am-šū ū a-ma-ti-šū šā ri-mu-ši-ù ka-ri-ba-ti | ۱. تپتی اهر شاه شوش [ساخت؟] تندیس‌ی از خود و دختران خدمتکارش که با آنها مهربان است، و زنان میانجی را |
| 2. šā aš-šā-šū ū a-na a-ma-ti-šū šā ri-mu-ši-na-ti i-ka-ar-ra-ba [x s] É.DÛ.A šā e-ri-im-ti | ۲. که وساطت می‌کنند بین او و دختران خدمتکارش که با آنها مهربان است، او ساخت خانه‌ای را از آجر |
| 3. i-pu-uš-ma a-na *MÍM.ERIN be-li-šū id-di-in dMÍM.ERIN ka-di ba-al-[iù (x x)] li-li-ib-šū | ۳. و بخشید آن را به سرورش اینشوشینک. باشد که تا زنده است اینشوشینک پشتیبانش باشد. |
| 4. mu-šū i-ka-aš-šā-da-am-ma 4 SAL. ME+EŠ šā ma-aš-ša-ru-ù É.DÛ.A si-il-lu l[i x x]-ti la in-ni-in-di-da-a-ma | ۴. آنگاه که شب فرا رسد، چهار زن نگهبان خانه... آنان نباید همزمان با هم |
| 5. KÛ.GI la i-pa di-du-ši-na i-na tu-ur-re-e lu šū-ub-bu-[tu] li-ru-ba-ma šu-pa-la | ۵. طلاها را از خود جدا کنند، لباس‌هایشان را بایستی با رشته‌هایی محکم ببندند، آنها باید داخل شوند و |

1. K. J. Roach, *The Elamite Cylinder Seal Corpus, c.3500 – 1000 BC*, Vol. 2 (The University of Sydney, 2008), pp. 2, 466.

2. Tepti-ahar

3. Tarnsheh

۴. عزت‌الله نگهبان، حفاری‌های هفت‌تپه دشت خوزستان (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۲)، ص ۳۵۶-۳۵۷.

5. Wapi

6. Erica Reiner, "inscription from a Royal Elamite Tomb", *Archiv für Orientforschung* 24, (1973), pp. 87-90.

۶. La-ma-as-aà-a-ti ù ka-ri-ba-a-ti lu ša-al-la lu-ul-mu-un-a li-ša-ap-pi-ra
 بخواهند در پای پیکره‌های لَمَسو و کاریبو؛ آنها بایستی...
۷. Li-iš-šù-ra lja-aš-šà ki-pa-ru pa-ši-šu GALma-aš-ša-ru-ù É.DÛ.A ù pa-ši-šu É.DÛ.A
 آنان باید نگهبانی دهند. هَشه، کیپرو، رئیس روحانی، نگهبانان خانه و روحانی
۸. I-na pa-ni-ši-na li-ik-nu-ku i-na-ap-ai-ir-ma EŠŠANA la-ma-as-sà-a-ti ù ka-ri-ba-a-ti
 باید خانه را قبل از آنها مهر و موم کنند. هنگام سپیده‌دم، آنان باید دوباره رسیدگی کنند به شاه، به پیکره‌های لَمَسو و کاریبو
۹. Li-pa-aq-ql-du-ù-ma li-ša-ma li-il-ta-al-ka
 و سپس آنها (زنان) می‌توانند بیرون آیند و بروند.^۱

در این کتیبه شاه نخست از دختران خدمتکارش که مورد قبول او هستند، یاد می‌کند و در ادامه نیز از زنان میانجی که واسطهٔ او و آن دختران هستند. با تأمل در متن فوق می‌توان به نفوذ زنان بر شخص شاه، دربار و امور مهم پی برد. احتمال می‌رود زنان میانجی که از آنان نام برده شده است، ملکه یا دیگر زنان مهم دربار بوده باشند، چون به ساخت مجسمه‌هایی از آنان نیز اشاره شده است. با توجه به اینکه معابد ایلامی از مراکز مهم سیاسی بوده‌اند، حضور و نقش زنان در این مراکز نشانگر موقعیت آنان در مهم‌ترین مراکز سیاسی ایلام است.

عزت‌الله نگهبان در حفاری‌های هفت‌تپه آرامگاهی را کشف کرد که به عقیدهٔ وی متعلق به تپتی اهر و همسر مورد علاقه‌اش بوده است. در نزدیک ورودی آرامگاه تعداد زیادی اجساد در جهات مختلف دیده شد که نظم خاصی در دفن آنان مراعات نشده است. با توجه به سنگ‌نبشته‌هایی که در اطراف این محل به دست آمده و در آنها به مراقبت از آرامگاه اشاره شده است، احتمال اینکه آرامگاه متعلق به شاه و ملکه باشد دور از واقعیت نیست. طبق نظر نگهبان، جسد تپتی اهر و همسرش دو جسدی هستند که در قسمت جنوبی آرامگاه در نزدیکی یکدیگر به خاک سپرده شده‌اند و یک کوزهٔ سفالی در جوار آنها دفن شده است.^۲ اگر فرضیهٔ نگهبان درست باشد بار دیگر نقش و اهمیت زنان درباری بر ما معلوم می‌شود و این امر نه تنها برابری ملکه و شاه را در تدفین نشان می‌دهد بلکه خود شرحی از جایگاه والای ملکه در کنار همسرش است. در مورد گورهای دسته‌جمعی که به گفتهٔ برخی پژوهشگران متعلق به کسانی هستند که در برابر تپتی اهر قربانی شدند، با توجه به اینکه نمونهٔ مشابه آن در تاریخ پیشتر ایلام دیده نشده، احتمال دارد این کار از دورهٔ پادشاهی تپتی اهر و یا پس از وی رواج پیدا کرده باشد.^۳ البته این موضوع فقط در حد فرضیه است و برای اثبات آن بایستی منتظر داده‌های بیشتر ماند.

1. Ibid, pp. 95-96.

۲. نگهبان، ص ۱۱۹-۱۲۲.

3. Ibid, p. 94.

در میان مجسمه‌ها و سردیس‌هایی که از این دوره به دست آمده، نمونه‌های زنانه نیز دیده می‌شود. این پیکرها کیفیت بالایی دارند که در واقع نشان‌دهندهٔ اوج پیشرفت مجسمه‌سازی ایلام است. سر مجسمهٔ زنی متعلق به این دوره که ارتفاع آن در حدود ۲۴ سانتیمتر و عرض آن ۱۸ سانتیمتر است از زیبایی خاصی برخوردار است. این مجسمه دارای پیشانی‌بندی پهن، زیورآلاتی بر گردن و موهای آرایش شده است. از تزئینات این سر می‌توان دریافت صاحب آن دارای جایگاهی والا بوده است و چه بسا متعلق به ملکهٔ تپتی اهر باشد (تصویر شمارهٔ ۲). پشت سر مجسمه کاملاً صاف و بدون تزئینات است که این نشان می‌دهد مجسمه پشت به دیوار یا بر روی زمین بوده است.^۱

اگر از مادرسالاری ایلامیان بگذریم، به تصویر کشیدن زنان در ایلام امری رایج بوده است. این امر نه تنها برخاسته از مذهب است، بلکه نفوذ زنان را در دربار و حتی جامعهٔ ایلامی نشان می‌دهد. همچنین از مجسمه‌های قالب‌گرفتهٔ زنان برهنه تعداد فراوانی در دست است که هر کدام گوشه‌ای از واقعیت را نمایان می‌سازند. در نگاهی کلی، شکل این پیکرها به این صورت است که زنان برهنه با دو دست سینه‌های خود را گرفته‌اند که تفسیر آن دشوار است. اغلب پژوهشگران این حرکت را نشانهٔ احترام یا عبادت می‌دانند.^۲ البته در اینکه زن در فلات ایران در طول تاریخ آغازین آن قدرت داشته شکی نیست،^۳ اما اینکه گرفتن سینه‌ها نشانهٔ احترام باشد مورد تردید است، چون حالت احترام همان حالتی است که در پیکرهٔ معروف نَپیر اسو^۴ که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، نمایش داده شده است که در آن دستان زن روی هم و در ناحیهٔ کمر قرار دارند. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به وجود مجسمه‌هایی در قالب مادر و کودک، این عمل به نوعی نشان‌دهندهٔ زایش باشد، زیرا اگر به نحوهٔ قرارگیری دست‌ها توجه کنیم خواهیم دید که دست‌ها روی سینه‌ها را نپوشانده بلکه سینه‌ها را به حالتی که به کودک شیر داده می‌شود گرفته‌اند (تصویر شمارهٔ ۳). اگر این فرض را بپذیریم، زنان همان نقش و اهمیتی را که در تمدن‌های کهن داشته‌اند حفظ کرده‌اند. همچنین پیکره‌هایی به شکل زنانی با لباسی پوشیده که کودکی را با سینهٔ چپشان شیر می‌دهند در این دوره دیده می‌شود. در برخی نیز شکل ران‌ها غیرطبیعی و بزرگ‌تر از حد معمول و ظاهر مجسمه است. بیشتر این مجسمه‌های قالبی افزون بر اینکه اهمیت باروری و زایش و به تبع آن بقای نسل را نشان می‌دهند، جایگاه اجتماعی زن را به تصویر می‌کشند.

1. Álvarez-Mon, "Elamite Funerary Clay Heads", p. 116.

2. Daems, p. 764.

3. L. Betty and J. York Hildreth, "women in Ancient Art", *Art Journal*, Vol. 35, No. 4 (1976), p. 346.

4. Napir-asu

۱. دودمان ایگی هَلکی‌ها (۱۲۰۰-۱۴۰۰ پم)

اطلاعات ما دربارهٔ چگونگی قدرت گرفتن ایگی هَلکی‌ها اندک است. اما شواهد و قراین نشان می‌دهند پادشاه بابل، کوری گلزو دوم^۱ (۱۳۳۲-۱۳۰۸ پم)، در به قدرت رسیدن ایگی هَلکی‌ها نقش داشته است، چرا که پَهِیر ایشَن^۲ با خواهر کوری گلزو ازدواج کرد.^۳ در واقع روی کار آمدن این دودمان به نوعی مدیون خاندان کاسی بابل بود.^۴ چنانکه گفته شد، از ابتدا شاهان این سلسله با شاهزاده‌خانم‌های کاسی ازدواج کرده‌اند. نام این پادشاهان در فهرست متن ادبی‌ای که نسخهٔ بابلی نو آن در موزهٔ برلین نگهداری می‌شود، دیده می‌شود.^۵

در دورهٔ هومبِن نومِن^۶ و شاهان بعدی اطلاعات ما در مورد زنان بیشتر می‌شود و می‌توان گفت این دوره دورهٔ اوج نفوذ زنان در دربار بوده است. در ایلام میانه نقش و جایگاه زنان به نسبت دیگر دوره‌ها بیشتر و با اهمیت‌تر دیده می‌شود. در دوران پادشاهی هومبِن نومِن شاهد نفوذ بانویی هستیم که شاه از او با عنوان «مادر»^۷ یاد می‌کند. این بانو جایگاهی همچون «خواهر شیلیه»^۸ در دورهٔ سوکل مح‌ها داشته، چنانکه حتی شاه به واسطهٔ مادرش در نزد خدایان مورد لطف قرار می‌گرفته است:

۱. شما (خدایان) لینی، (خدای) بزرگ کیریرشه و e^dGAL^dKi-ri-ri-ša a-ak dBa-ha-hu-ti ip-pe
خدایان محافظ زمین، AŠLi-ia-an-ip-ba
۲. من هوبِن نومِن [هستم]، پسر اَتر کیتِه،
گسترش‌دهندهٔ پادشاهی، نگهبانِ ایلام، حاکم
ایلام، پادشاه انشان (و) شوش
ù I •^dHu-ban-nu-me-na ša-ak¹At-tar-
kitah-gi-ik ' li-ku-me ri-ša-ak-ka me-ir-ri-ik
Ha-tšm-ti-ik ka at-ri Ha-tšm-ti-ik hal-me-
ni- ik Ha-tšm-ti-ik su-un-ki-ik^{AS}An-za-an
AŠŠu-šu-un-ka

1. Kuri-galzu II

2. Pahir-ishah

3. T. Van Dijk, "Die dynastischen Heiraten zwischen Kassiten und Elamern: eine verhängnisvolle Politik", *Orientalia*, 55 (1968), p. 163.

4. A. Fuchs, "das Osttigrisgebiet von Agum II bis zum Darius I (ca. 1500-500 BC)", *Between the Cultures: The Central Tigris Region from the 3rd to the 1st Millennium BC*, (Heidelberger Studien zum Alten Orient 14), Heidelberg, (2011), pp. 241-42.

نام این سلسله برگرفته از نام نخستین شخص از ایگی هَلکی‌هاست. اخیراً نیز از وی کتیبه‌ای به دست آمده که ثابت می‌کند برخلاف آنچه گفته می‌شود، وی شاه بوده و حکومت کرده است. او در کتیبه‌اش به بازسازی معبد الهه منزت (Manzat) اشاره می‌کند (Abdoli, "a new King of Susa and Anshan", *Cuneiform Digital Library Bulletin* (2015), 6-1). ایگی هَلکی‌ها نیز، مانند سلسلهٔ اِپرتی، با جانشین شدن پسر ارشد، یعنی پَهِیر ایشَن یکم بنیانگذار اصلی سلسله، پا گرفتند (والتر هینتس، دنیای گمشدهٔ عیلام، ترجمهٔ فیروز فیروزنیا، ویراستار روزبه زرین کوب (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸)، ص ۱۰۲). این شاه احتمالاً معاصر نَسی مَرَوَتَش (Nasi-marwataš) (۱۳۱۹-۱۲۹۴ پم) شاه کاسی بوده است.

۵. پاتس، ص ۳۲۲-۳۲۴.

6. Humban-numena

7. Ammahaštuk

۸. شیلیه از جمله نخستین فرمانروایان سلسلهٔ سوکل مح‌ها و فرزند ابرت است. ما از نام خواهرِ شیلیه آگاهی نداریم، اما نقش وی چنان مهم بوده است که شاهان بعدی ایلام نسب خود را به وی رسانده‌اند.

3. am-ma tu-ur-na ^dGAL un-ha-ni-iš un-ha-h-pu-uš (زمانی) که در زهدان مادر بودم، (خدای) بزرگ مرا برگزید و تقاضایم را برآورده کرد،
4. si-it tak-me en-piš-ši-ik ^dIn-šu-ši-na-ak su-un-ki-me un-du-ni-iš زمانی که خوشبختی [من] فرا رسید، اینشوشینک این پادشاهی را به من عطا کرد.
5. da-ak-ki-me-ù-me da-ak-ki-me ^{SAL}Mi-ši-im-ru-h-me a-ak da- ak-ki-me' ^{SAL}Ri-ša-ap-dLa-me in-ti-ik-ka برای زندگی‌ام، زندگی [بانو] می‌شیمروه و زندگی [بانو] ریشپ ل به این خاطر.
6. a-ak si-ja-an pu-ur-ki-me ru-ru-uk pi-it-te-im-ma ku-ku-un-nu-um pe-ip-ši-ja ku-ši-h همچنین من در معبد پیشین، که در قدیم با عنوان «روروک» شناخته [بنا] شده بود، یک مقبره بزرگ دیگر پی افکندم (و) بنا کردم،
7. ^dGAL ^dKi-ri-ri-ša a-ak ^dBa-ha-hu-ti-ip-pe i-du-ni-h آنها را به سرور بزرگ (خدای) کیریرشه و خدایان نگهبان زمین [سرزمین‌ها] اعطا کردم.
8. ^dGAL ^dKi-ri-ri-ša a-ak ^dBa-ha-hu-ti-ip-pe da-ak-ki-me ki-it-ti-im-ma ù-du-ni-h-ši-ni باشد که سرور [خدا]، کیریرشه و خدایان نگهبان زمین به من زندگی طولانی اعطا کنند،
9. su-un-ki-me tu -ur hi-h si-ti-im-ma-un-ša-am-me-h-ši-ni باشد که پادشاهی را با رضایت قلبی به من اعطا کنند.^۱

در این کتیبه نام دوزن آمده که به عقیده هیئتس زنی که از او به‌عنوان «مادر شاه» یاد شده، می‌شیمروه^۲ و دومی همسر پادشاه است.^۳ ذکر نام این اشخاص بی‌دلیل نمی‌تواند باشد. از گفته‌های شاه می‌توان دریافت مادر وی، می‌شیمروه، نقش فراوانی در به قدرت رسیدن شاه داشته است. همان‌طور که ذکر شد، وی تقریباً نقشی به مانند «خواهر شلیهه»، نه به ماندگاری او، در اذهان داشته است. در ادامه نیز از همسر پادشاه، ریشپ ل^۴ یاد شده که او نیز به مانند مادر پادشاه مهم بوده است. در واقع از این کتیبه هم نقش مذهبی و هم نقش سیاسی زنان را می‌توان دریافت. چنانکه پادشاه اشاره می‌کند، خداوند به خاطر این دو بانو پادشاهی را به او اعطا کرده است.

قاعدتاً فعالیت‌های سیاسی و مستقل ملکه‌ها در کل تمدن‌های کهن محدود به این بود که به جای فرمانروایان موقت در نقش ولیعهد عمل کنند. ما در بازه زمانی همزمان با این دوره ایلام ملکه‌های سرشناسی را داریم که در کنار پادشاه از استقلال زیادی برخوردار بودند که از آن جمله می‌توان به پودوخپه^۵ همسر ختوسیلی سوم^۶ (۱۲۸۹-۱۲۶۵)، شاه هیتی، اشاره کرد.^۷ در واقع ملکه‌ها نه تنها در دوره پادشاهی همسرانشان بلکه در زمان شاه بعدی نیز، با عنوان «مادر پادشاه»، از اعتبار و جایگاه

1. F.W. König, *Die elamischen Königsinschriften*, Archiv für Orientforschung, Beiheft 16, (Graz: Archiv für Orientforschung, 1965), pp. 34-39.

2. Mishimura

۳. هیئتس، ص ۱۰۳.

4. Rishab-la

5. Puduḫepa

6. Hattusili III

۷. ایلسه سبیرت، زن در شرق باستان، ترجمه رفیقه بهزادی (تهران: انتشارات پژوهنده، ۱۳۷۹)، ص ۸۶-۹۳.

والایی برخوردار بودند. در مجموع مادران، چه از خاندان سلطنتی بودند و چه از مردم عادی، از دیرباز نزد ایلامیان و اقوام مختلف از احترام خاصی برخوردار بودند، چنانکه در متون ادبی سومری این مطلب به کرات دیده می‌شود.^۱

اوتنش نپیرشه^۲ (اوتنش گل) در حدود سال ۱۲۷۵ پم جانشین پدرش هومین نومن شد.^۳ سلطنت او تقریباً همزمان با شلمنصر^۴ یکم شاه آشوری بود. با به قدرت رسیدن این پادشاه ایلامی شاهد نفوذ بی‌سابقه زنان در این دوره هستیم. همسر اوتنش نپیرشه، با نام نپیر آسو، آنچنان قدرتمند و نامی بود که حتی امروزه دوره اوتنش نپیرشه تحت تأثیر نام نپیر آسو است. براساس نامه‌ای که از شوتروک ناهونته به دست آمده، اوتنش نپیریشه با دختر بورنوریش^۵، پادشاه کاسی، ازدواج کرد. پیش از وی نیز پیهیرنوه^۶ و هومین امینی^۷ با شاهزاده‌خانم‌های کاسی ازدواج کرده بودند.^۸ با این حساب چه بسا نپیر آسو همان شاهزاده‌خانم کاسی باشد که البته این فقط در حد یک گمان است چون احتمالاً شاهزاده‌خانم مذکور یکی از زنان سلطنتی بوده که لزوماً برای اتحاد و همبستگی بیشتر میان ایلامیان و کاسیان به ازدواج پادشاه ایلام درآمده است. به هر حال نپیر آسو شخصیت برجسته‌ای در این دوره به حساب می‌آید.

در نقش برجسته‌ای از اوتنش گل که در ارگ شوش به دست آمده است، به مانند نقوش برجسته در دوره‌های پیش، در یک ردیف از آن پادشاه به اتفاق دو بانو دیده می‌شود. در سمت راست او همسرش، نپیر آسو، با دست‌های بالا آمده به سوی زنی دیگر به نام اوتیک^۹ در حرکت است. ما از شخصیت اوتیک اطلاعی نداریم اما به احتمال فراوان او مادر پادشاه است.^{۱۰} حضور این زنان یک بار دیگر از فعالیت زنان در امور دولتی و اجتماعی حکایت دارد. این نقش یادآور نقش روی مهر اپرتی یکم، پادشاه سیمشکی، در هزاره سوم پیش از میلاد است که در آن پادشاه بر روی تخت نشسته و همسرش نیز در جلوی او بر روی تختی نشسته است. در پشت سر پادشاه تصویر زنی دیگر دیده می‌شود که دستش را به سوی شاه بلند کرده و تقریباً نزدیک به لمس کردن اوست و همگی لباس‌هایشان به سبک دوره سیمشکی است.^{۱۱}

۱. ساموئل کمبر، *الواح سومری*، ترجمه داوود رسائی (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۵)، ص ۱۰۱.

2. Untash-napirsha

۳. ام. دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه بهرام شالگونی، تاریخ ایران کمبریج، دفتر اول از جلد دوم (تهران: جامی، ۱۳۹۰)، ص ۸۳.

4. Shalmanasar

5. Burnaburiash

6. Pihirnu

7. Humban-Emieni

8. Van Dijk, pp. 163-164.

9. Utik

۱۰. یوسف مجیدزاده، *تاریخ و تمدن ایلام* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶)، ص ۸۶-۸۷.

11. Enrique Quintana, "the Elemaite Family (the Royal Family Adoption)", *Mundo Elamita CEPOAT University Murcia*, 2016 (https://www.academia.edu/38079914/THE_ELAMITE_FAMILY_THE_ROYAL_FAMILY_ADOPTIONS).

شاید از میان همه آثار هنری این دوره باشکوه‌ترین آنها مجسمه نیپیر اسو باشد. او نیز به مانند همتایان خویش در سرزمین‌های همجوار، از جمله هیتی‌ها، کتیبه و پیکره‌هایی از خویش بر جای گذاشته است. در این دوره است که هنر، به‌ویژه فلزکاری، به اوج خود می‌رسد.^۱ مجسمه برنزی نیپیر اسو حدوداً یک متر و بیست و نه سانتیمتر بلندی و ۱۷۵۰ کیلوگرم وزن دارد.^۲ این پیکره بسیار باشکوه تزئین شده است و لباس او، همچون لباس زنان ایلامی، با دامنی بلند بر روی زمین کشیده می‌شود. زیورآلاتی از جمله چهار النگو در دست راست و انگشتری در انگشت دست چپ وی دیده می‌شود.^۳ از روی این نقوش و مجسمه‌ها می‌توان به راحتی از نحوه پوشش و زیورآلات زنان درباری آگاهی یافت. درباره این پیکره مطالب فراوانی گفته شده، اما آنچه در اینجا مهم جلوه می‌کند، کتیبه‌ای است که در پشت مجسمه و از زبان شخص نیپیر اسو نوشته شده است و این امر خود نشان می‌دهد ملکه در امور مملکتی و ساخت و تعمیر معابد شوش نقش مهمی ایفا می‌کرده، به همین منظور پیکره‌ای از خویش در معبد نین خورسگ^۴ در ارگ شوش ساخته است. در ترجمه کونینگ از کتیبه چنین آمده است:

۱. من (هستم) (بانو) نیپیر اسو، همسر اونتش گل. ü^{SAL}-Na-pir-a-su ru-tu 'Un-taš-^dGAL-ki
۲. من (هستم) (بانو) نیپیر اسو، همسر اونتش گل. ü^{SAL}-Na-pir-a-su ru-tu 'Un-taš-^dGAL-ki
۳. هر کس که پیکره‌ام را بدزد، هر کس آن را بشکند، هر کس به این کتیبه آسیب برساند، هر کس که نامم را پاک کند، ak-ka sa-al-mu-um-ù-me hu-ma-an-ra-ak-ka hu-tu-un-ra ak-ka tu-up-pi-me me-el-ka-an-ra ak-ka hi-iš-ù-me su-ku-un-ra
۴. نفرین سروران (خدا)، (الهه) کیریشه، (خدا) اینشوشینک بر او باد. ha-<at>^dGAL 'Ki-ri-ri-ša-^dIn-šu-uù Qna-ak ri-uk-ku-ri-ir • ta-ak-ni
۵. باشد که نام او در زیر خورشید باقی نماند. [نامش از میان برود]، باشد که نسلش (تخمه‌اش) شکوفا نگرده، na-h-hu-un-te ir-ša-ra-ra hi-iš a-ni pi-li-in pa-ar a-ni ku-tu-un
۶. باشد که جرعه آتش الهه بزرگ پلته بر سر آنان وارد شود. hi-h 'Pi-el-ti-ja na-pir ri-ša-ar-ra pi-uk-ku-pi-ip me-it-ki-ni
۷. پیشکشی برای نیپیر اسو^۵ `ša i-mi-it ta (AN =) Nàp-pir-a-su ki

آن گونه که در متن این کتیبه آمده است، ملکه به مانند پادشاه نخست خود را معرفی و، برای تأکید، دو بار نامش را ذکر می‌کند و در ادامه نام همسر خویش را می‌آورد، یعنی نسبت خویش را با پادشاه نشان

۱. رومن گیرشمن، چغازنبیل (دور اوتناش)، ترجمه اصغر کریمی، ج ۲ (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۵)، ص ۵۶.

۲. ابوالقاسم دادور، «موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام»، زن در فرهنگ و هنر، دوره اول، ش ۴ (تابستان ۱۳۸۹)، صص ۱۰۸.

۳. سمیرا اصغرپور و زهرا آذری، «بررسی زیورآلات زنان در ایران باستان (عهد عیلامی)»، پژوهش هنر، س ۱، ش ۳ (۱۳۹۲)، ص ۱۴۴.

4. Nin-khursag

5. König, pp. 69-71.

می‌دهد. با وجود ذکر نام شاه، به نظر می‌رسد ملکه در کار خویش تا حدی مستقل است. هرچند این کتیبه اطلاعات چندانی در اختیار ما نمی‌گذارد و بیشتر نوشتاری برای حفاظت از پیکره است، همین که برای نخستین بار در طول تاریخ ایلام از زبان ملکه نگاشته شده، خود گویای مقام و منزلت ملکه است. این کتیبه به ما می‌گوید نوشتن کتیبه مختص شخص شاه و یا مردان نبوده است، بلکه زنان نیز می‌توانسته‌اند برای پیشبرد اهداف خویش از چنین سنتی استفاده کنند.

به عقیده هینتس، نام نپیر اسو به معنای «همانند ماه» است. و در شهر اونتش (چغازنبیل) ساختمانی به‌عنوان حرم‌خانهٔ اونتش نپیریش بنا می‌شود که به دلیل وجود نشانه‌ای از ملکه در این شهر احتمال دارد نپیر اسو کدبانوی این ساختمان وسیع بوده باشد.^۱ احتمالاً ایلامیان سنت ساخت زیگورات را از میان‌رودانی‌ها گرفته باشند. البته آنان زیگورات‌ها را به شیوهٔ ایلامی و تقریباً متفاوت با میان‌رودانی‌ها می‌ساختند. باید افزود که با وجود مراکز مهمی چون شوش و انشان، اونتش نپیرش ترجیح داد زیگورات و شهر خود را در مکانی به غیر از این دو مکان بر پا سازد و چنانکه اشاره شد، احتمال دارد ملکهٔ دربار در اجرای این طرح نقش مؤثری ایفا کرده باشد. به هر حال، لحن سخنان ملکه در کتیبهٔ فوق به مانند پادشاهان است و حتی او کسانی را که آسیبی به مجسمه‌اش برسانند نفرین می‌کند (گرچه بعدها سر مجسمه از بین رفته است) که البته این لزوماً، چنانکه برخی از پژوهشگران گفته‌اند، حاکی از جریانات ضدسلطنت و یا ضد این بانو نیست^۲، چرا که نمونه‌های زیادی از این سبک نوشتن در دوره‌های قبل و بعد از این زمان در دست داریم که نشان می‌دهد این در واقع نوعی رسم و سبک برای حفظ اثر بوده است. نپیر اسو علاوه بر امور مملکتی، به همراه پادشاه در جشن‌هایی که در زیگورات برگزار می‌شد، حضور داشت و زمانی که دیگران وارد معبد می‌شدند ملکه در کنار پادشاه در جایگاهی که هنوز هم باقی است، می‌نشست و در مقابل آنها قربانی‌هایی صورت می‌گرفت.^۳

از جمله نکات بحث‌برانگیز در این دوره در مورد بنایی است که به ساختمان زیرزمینی معروف است و در هفتاد متری ساختمان دوم از مجموعهٔ چغازنبیل قرار دارد. در گورهایی که اجساد آنان همراه با اشیای تدفینی سوخته شده‌اند و گیرشمن آنها را با عدد چهار شماره‌گذاری کرده، جسد زنی تقریباً چهل یا پنجاه ساله به همراه دو جسد دیگر به پهلولی چپ خوابانده شده است. نکتهٔ مهم اینجاست که جسد این زن برعکس اجساد دیگر سوزانده نشده، بلکه به همان شکل در کنار اجساد سوخته قرار گرفته است. به عقیدهٔ گیرشمن این زن احتمالاً از یک نژاد خارجی بوده، که مانند دیگر اجساد

۱. هینتس، ص ۱۰۶.

۲. دادور، ص ۱۰۸.

۳. هینتس، ص ۱۶۲-۱۶۳.

سوزانده نشده است.^۱ اگر فرضیهٔ گیرشمن صحیح باشد، این امر نشان‌دهندهٔ جایگاه این بانو و البته احترام ایلامیان به عقیدهٔ وی و خاندانش بوده است. براساس تحقیقی که دفرمبک^۲ دربارهٔ اسکلت این زن انجام داده است، او را می‌شود از نژاد مدیترانه‌ای دانست که البته می‌تواند از خاور نزدیک و حتی دیگر مناطق ایران باشد.^۳ با وجود مراودات و ازدواج‌های سیاسی ایلامیان با دیگر حکومت‌ها، این نکته چندان دور از واقعیت نیست.

نکتهٔ دیگر این است که بر روی برخی از مهرهای یافت‌شده از چغازنبیل تصاویری از زنان دیده می‌شود. برای نمونه بر روی مهر استوانه‌ای شمارهٔ ۱۹۵۶،۴۸۶ که از صحن جنوب غربی، دیوار نیایشگاه شمارهٔ سه، به دست آمده، تصویر زنی در حالت نشسته دیده می‌شود که به عقیدهٔ پرادا^۴ درفشی نظامی و یا علامتی دیگر در دست دارد. البته چون مهر صدمهٔ زیادی دیده است، نوشتهٔ روی آن خوانا نیست^۵ و تشخیص شیء موجود در دست بانوی نشسته نیز سخت است، اما به دلیل شباهت زیاد آن به درفش یا یک نماد حکومتی، پذیرفتن این ادعا چندان دور از ذهن نیست.

متأسفانه آگاهی ما از آخرین پادشاهان این سلسله اندک است. اما براساس نامهٔ شتروک نهونته (۱۱۶۰-۱۱۳۵ پم) به کاسی‌ها، برخی از این پادشاهان، از جمله کیدین هوترن^۶، با شاهزاده‌خانم‌های کاسی ازدواج کردند.^۷ همچنین ما از چگونگی سرنگونی این سلسله اطلاعات منسجمی نداریم. بنا بر کتیبه‌های توکلتی نینورته^۸ یکم (۱۲۰۷-۱۲۴۳ پم)، امکان دارد یکی از دلایل سقوط این سلسله لشکرکشی‌های شاه آشوری به سمت شرق باشد که البته ما از سرنوشت حملات وی به مناطق تحت حکومت ایلام آگاهی نداریم.^۹

دودمان شوتروکی‌ها (۱۱۰۰-۱۲۰۰ پم)

دودمان بعدی دورهٔ ایلام میانه شوتروکی‌ها هستند. شوتروک نهونته با لشکرکشی به اکد، بابل و اشنون غنایم سرشاری به دست آورد. او در نامه‌ای که برای بابلیان فرستاده می‌گوید با دختر بزرگ ملی شیهو^{۱۰}

۱. گیرشمن، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۱.

2. Defermabk

۳. همان، ص ۱۶۷-۱۸۷

4. Porada

۵. ادیت پورادا، چغازنبیل، ترجمهٔ اصغر کریمی، ج ۴ (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۵)، ص ۳۵.

6. Kidin-hutran

7. Van Dijk, p. 163.

8. Tukulta-ninurta

9. A. K. Grayson, *Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC II* (858-745 BC), Vol. I (London: University of Toronto Press, 1935), pp. 233-250.

10. Meli-shihu

ازدواج کرده است و نیز خود را از اعقاب دختر ارشد کوری گلزو، شاه بزرگ بابل، می‌داند.^۱ اشاره او به ازدواج‌های پیشین میان شاهزاده‌خانم‌های بابلی و فرمانروایان ایلامی و نیز تأکیدش بر نسب بردن از طریق مادر بی‌دلیل نیست. در واقع یکی از بهانه‌های وی برای لشکرکشی به بابل همین مسئله بود که نسب خود را از طریق دختر کوری گلزو به او می‌رساند و ادعای جانشینی وی را می‌کرد. در این نامه شاه ایلامی بار دیگر نقش سیاسی زنان و تأثیرشان در روند امور سیاسی میان ایلام و ملل مختلف به‌خوبی اثبات می‌شود. از این نامه که امروزه در موزه خاور نزدیک برلین نگهداری می‌شود، پیداست که در این دوره سلسله ازدواج‌هایی با بابلیان صورت گرفته است. شووتروک نهونته با تأکید بر نسب مادری به نوعی ادعای تاج و تخت بابل را می‌کند.^۲ ترجمه فن دیک^۳ از بندهای ۹ تا ۱۷ این نامه چنین است:

10. pi-hi-ra-nu-U X-d[a-a]t-gal- [...ahât-su]
 šà šarru dan-nu ku-ri-gal-zu [i-ta-ha-az]
 Mhu-um-ba-an-im-me-ni ma-ra-s[u i-ta-
 ha-az]
 hu-un-da-šà-an-gal it-ta-lad hu-un-da-
 [šà-an-gal]
 marat-su [šà] bur-na-bur-ià-àš i-ta-[ha-
 az]
 ki-di-nu-[ku-d]u-r[u-d]š it-ta-lad ki-di-nu-
 [ku-du-ru-diš]
15. màrat-su šà x-dun-ià-àš i-ta-h[a-az]
 an-[ga]-hu-un-d[a-d]š it-ta-lad a-na-ku
 màr-[màrit]
 mà[r]tu rabl]tu (šà) mi-le-e-š-i-hu a-ta-ha-
 [az]
 mà[r]tu rabl]tu (šà) mi-le-e-š-i-hu a-ta-ha-
 [az]
 šà x-x x -h x-x šà x [u] i-nam-da li[p-
 lip-p?]

پیهیزنو اوو... [با خواهر] کوری گلزو شاه بزرگ ازدواج کرد. هوبن ایمنی با دختر او [ازدواج کرد] و آنها هوندشه نیپرشه را به دنیا آوردند. هوندشه نیپرشه [با دختر بورنیوریش ازدواج کرد. از آنها کیدین [هود] و رو[دی] ش زاده شد.

کیدین [هودورودیش] با دختر [...] دونیش ازدواج کرد. از آنها اوتش نیپرشه زاده شد. من پسر [دختر] با دختر بزرگ ملی شیهو ازدواج کردم...^۴

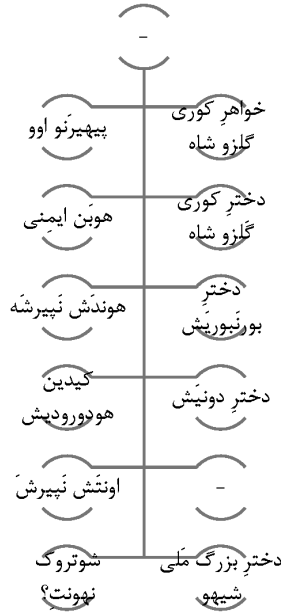
1. Van Dijk, p. 165.

2. Behzad Mofidi-Nasrabadi, "Elam in the Middle Elamite period", *The Elamite world*, Edited by Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks (New York: Routledge, 2018), p. 235.

3. Van Dijk

4. Van Dijk, p. 163.

نمودار این شجره‌نامه را که مربوط به دودمان ایگی هلکی‌هاست، می‌توان به شکل ذیل ترسیم کرد:



این نامه برای ما آشکار می‌کند که چندین نسل از دودمان ایگی هلکی‌ها با شاهزاده‌خانم‌های کاسی بابل ازدواج کرده‌اند و نشان‌دهنده روابط و همکاری این سلسله‌ها با یکدیگر است.^۱ در دوره ایلام کهن بیشتر شاهد ازدواج شاهزاده‌خانم‌های ایلامی با میان‌رودانی‌ها هستیم، اما در این دوره، با توجه به نامه فوق، می‌بینیم که سیر ازدواج‌ها بیشتر از سوی میان‌رودان است. یکی از مشهورترین این ملکه‌ها ملکه نیپر اسو است که طبق نمودار فوق وی دختر بورنوریش، حاکم کاسی بابل، بوده است.

با توجه به کتیبه‌های شوتروک نهونته، قلمرو وی گستره وسیعی را شامل می‌شد که بعد از وی به فرزندش کوتیر نهونته رسید. کوتیر نهونته در دوران پادشاهی پدر فرماندهی نبرد با بابل را بر عهده گرفته و پیروزی‌های فراوانی به دست آورده بود^۲ و همچنین نایب‌السلطنه پدرش در آنجا بود. او در کتیبه‌هایی که به یادبود کارهای ساختمانی در شوش و لین نوشته است خود را چنین معرفی می‌کند: «من کوتیر نهونته، پسر شوتروک نهونته، شاه انشان و شوش هستم.»^۳ این عنوانی است که تقریباً همه پادشاهان این دوره از آن استفاده می‌کردند.^۴

1. Ran Zadok, "Elam and Babylonia c. 1400–1100 BC", *The Elamite world*, edited by Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks (New York: Routledge, 2018), p. 307.

۲. ماتیو استولپر، تاریخ ایلام، ترجمه شهرام جلیلیان (تهران: توس، ۱۳۸۹) ص ۸۵.

3. König, p. 84.

4. M. Mäder, *War Elam eine Nation?* (Archäologisches Institut Uni Bern, 2014), p. 13.

در کتیبه‌های دوره فرمانروایی کوتیر نهونته به نام زنی (نهونته اوتو) برمی‌خوریم که تا حدودی سؤال برانگیز است، تا جایی که برخی از پژوهشگران با بررسی شواهد موجود درباره او به این نتیجه رسیده‌اند که نوعی ازدواج با خویشان نزدیک در این دوره صورت گرفته است.^۱ در کتیبه‌ای که کوتیر نهونته برای ساخت و تعمیر معابد نگاشته و در آن برای اعضای خانواده‌اش خواستار دعای خیر است، چنین آمده:

۱. من کوتیر نهونته، پسر شوتروک نهونته، شاه ایشان
 (و شوش هستم).
 1. ù 'Ku-tir^dNah-hu-un-te ùa-ak Šu-ut-ru-
 uk^dNah-hu-un-te-gi-[ik] li-ba-ak ha-ni-ik
^dIn-šu-ši-na-ak-gi-ik su-un-ki-ik An-za-an
 Šu-šu-un-ka
۲. هوبن نومنه این معبد الهه کیریرشه لینی را با خشت
 بنا کرد.
 2. hi-el ^dLa-ga-ma al-me mi-ši-ir-ma-na sar-
 ra-ah
۳. اما آن خراب شده بود، من آنها را (از آنجا) برداشتم.
 3. [pe-ip]-ši-ir-ma-ah a-ak ku-ši-ih
۴. آن را احداث کردم با آجر پخته (نو) و ساختم.
 4. e-ri -tim-im-ma pe-ip-ši-ir-ma-h a-ak ku-
 ši-h
۵. و برای زندگانی‌ام، و برای نهونته اوتو و زندگانی‌اش
 و برای فرزندان او، و به این دلیل
 5. a-ak' da-ak-ki-me-ù-mi-ni^{SAL}. ^dNah-hu-un-
 te-ù-tù-me a-ak pu-hu-e-ma in-ti-ik-ka
۶. و برای سلامتی‌مان، به الهه‌ام کیریرشه اعطا کردم.
 6. a-ak ir-ki-in-ti-ni-ka me-ma ^dKi-ri-ri-ša-na-
 pir-ù-ri i-du-ni-h

چنانکه اشاره شد، برخی بر این عقیده‌اند که نهونته اوتو هم همسر کوتیر نهونته بوده و هم بعدها به همسری شیلهک اینشوشینک، برادر کوتیر نهونته، درآمده و به احتمال خواهر هر دو هم بوده است. نکته مهم اینجاست که کوتیر نهونته از شخص مذکور یاد نمی‌کند، حال آنکه شیلهک اینشوشینک در کتیبه‌ای که در سولقان شهر کرد به دست آمده، به صراحت نهونته اوتو را همسر محبوب خود می‌داند. اما در مورد پدر این دو برادر، یعنی شوتروک نهونته، سندی بهتر از نامه وی به بابل در دست نیست که در آن به همسر خود اشاره دارد که احتمالاً نام وی پیک^۲ بوده است. از طرف دیگر هیچ منبعی به نسبت بین نهونته اوتو و شوتروک نهونته اشاره نمی‌کند.^۳ بنابراین، در حال حاضر هر ادعایی مبنی بر اینکه این زن خواهر شیلهک اینشوشینک و کوتیر نهونته بوده اشتباه است. براساس شواهد، شیلهک اینشوشینک با بیوه برادرش ازدواج می‌کند و برادرزاده‌اش، هلوئوش اینشوشینک، را به نایب‌السلطنگی برمی‌گزیند. کوتیر

۱. پژوهشگران در این باره نظرات مختلفی دارند؛ برخی ازدواج با خویشان نزدیک را امری رایج می‌دانند و برخی دیگر موافق آن نیستند. برای این بحث در تاریخ ایلام ن.ک: بهرام روشن‌ضمیر و حسین بادامچی، «رواج زناشویی با خویشان درجه یک در ایران باستان»، مقالات دومین دوسالانه فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، صص ۱۵-۱۷.

2. König, p. 84.

3. Piak

۴. بنگرید به:

F. Vallat, "Hutelutuš-Inšušinak et la famille royale élamite", *Revue d'Assyriologie* (1985), pp. 43-50.

نهونته در زمان فرمانروایی پدر و بعد از آن معابدی، از جمله معبد اینشوشینک، را بازسازی می‌کند^۱ که نقوش روی آنها در نوع خود می‌تواند جالب باشد. یکی از این نقوش تزئینی نقش مایه انسان گاو است که در کنار یک نخل خرما ایستاده و زنی باریک و بلندقد با صورتی ظریف دیده می‌شود که در مجموع این نماد یادآور معبد اینانا در اوروک است.^۲ این سنت بابلی نه تنها در ایلام بلکه در معماری دوره هخامنشی و در کاخ داریوش نیز دیده می‌شود. تزئین دیوار معبد با نقش زن در نوع خود جالب است. درست است که نمی‌توان از نقش دینی زنان در کل تاریخ ایلام چشم‌پوشی کرد، اما فعالیت‌های دینی سیاسی به هم مربوط بودند و چه بسا زنان در این بین ایفای نقش می‌کردند. کوتیر نهونته در حدود سال ۱۶۶ پم در گذشت و برادرش شیلهک اینشوشینک جانشین وی شد.^۳

آن گونه که پیشتر هم آمد، زمانی که شیلهک اینشوشینک در حدود سال ۱۵۰ پم به جای برادر خود، کوتیر نهونته، بر تخت پادشاهی نشست، پسر کوتیر نهونته، هلتوتوش اینشوشینک را به‌عنوان شاهزاده شوش منسوب کرد.^۴ به بیان دقیق‌تر، شیلهک اینشوشینک فرزند شوتروک نهونته و پیک بود و دوران پادشاهی وی مصادف با شاهان بابلی از انلیل نادین اهی^۵ تا نیوگدنزر یکم بود. به جرأت می‌توان گفت شیلهک اینشوشینک یکی از پادشاهان بزرگ در تاریخ ایلام بوده است. در دوره او ایلام از نظر اقتصادی و فرهنگی و نیز گسترش قلمرو به اوج خود رسید. با توجه به داده‌های باستان‌شناختی و کتیبه‌های بسیاری که از دوره حکومت سی ساله وی به دست آمده، اطلاعات ما درباره زنان در دوره این فرمانروا در مقایسه با فرمانروای قبلی بیشتر است.

شیلهک اینشوشینک در کتیبه‌هایش خود را فرزند شوتروک نهونته و پرستنده خدای اینشوشینک معرفی می‌کند.^۶ پیش از هر چیز می‌بایست به بحث ملکه نهونته اوتو که در بالا نیز به آن اشاره شد پرداخت، چرا که نام این بانو در چندین کتیبه از شیلهک اینشوشینک دیده می‌شود. به نظر می‌رسد نهونته اوتو، همسر کوتیر نهونته، بعد از سلطنت کوتاه همسرش به ازدواج شیلهک اینشوشینک درمی‌آید و در دوره او از ارج بسیاری برخوردار می‌شود. چنانکه در این کتیبه‌ها مدام از او یاد و برای سلامتی‌اش بعد از نام پادشاه دعا می‌شود.^۷ در واقع ازدواج شیلهک اینشوشینک با نهونته اوتو بر مشروعیت او برای سلطنت افزود.^۸ سال ۱۳۸۵ هجری خورشیدی در سولقان شهر کرد کتیبه‌ای در ۲۸ سطر در منزل کشاورزی پیدا شد که بعدها

1. G. Hüsing, *Die einheimischen Quellen zur Geschichte Elams* (Leipzig, 1916), p. 57.

۲. مجیدزاده، ص ۲۴-۲۵.

۳. جورج کمرون، *ایران در سیهدهم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه (تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۸۴.

۴. هینتس، ص ۱۱۶-۱۱۷.

5. Enlil-kadin-ahi

6. König, p. 85.

7. Ibid, 85-95

8. Malbran-Labat, p. 471.

به همت عبدالمجید ارفعی ترجمه شد و در دسترس قرار گرفت. در ذیل به این سنگ‌نوشته می‌پردازیم:

- | | |
|---|---|
| 1. Ū Šil-ha-ak-d In-su-uš-na- | ۲-۱) من شیلهک اینشوشینک |
| 2. ak ša-ak Šu-ui-ru-uk-dNah- | ۲-۳) پسر شوتروک نهونت |
| 3. hu-un-te-ik li-ka-me ri-ša- | ۳-۴) گسترش‌دهنده پادشاهی |
| 4. ak-ki ta-ak-ki-me-ù-me ta-ak- | ۴-۵) برای زندگانی خودم |
| 5. ki-me f.d.Nah-hu-un-te-ù-tù ru- | ۶-۵) برای زندگانی نهونت اوتو |
| 6. tu ba-ni-ik-kù-ri-me ta-ak-ki | ۶-۷) همسر محبوبم |
| 7. me Hu-te-lu-du-uš-d In-su-uš-na- | ۸-۷) برای زندگانی هوتلودوش اینشوشینک |
| 8. ak-me ta-ak-ki-me f.d.lš | ۹-۸) برای زندگانی ایشنی کرب بد |
| 9. ab-bàd-me ta-ak-ki-me f.Ū-ru-tuk- | ۹-۱۰) برای زندگانی اوروتوک الهلوهو |
| 10. d.El-ba-la-bu-me ta-ak-ki-me | ۱۰-۱۱) برای زندگانی شیلهین همرو لکمر |
| 11. šil-bi-na-ba-am-ru-d.La-ka-mar-me ta- | ۱۱-۱۲) برای زندگانی کوتیر هوبن |
| 12. ak-ki-me Ku-ti-ir-d Hu-ban-me ta-ak- | ۱۲-۱۳) برای زندگانی اوتو اهیهی پینیگیر |
| 13. ki-me f.Ū-tù-e-bi-ib-bi-d.Pi-ni- | ۱۴-۱۵) برای زندگانی تمتی تورکش |
| 14. gir-me ta-ak-ki-me Te-im-ti-tu- | ۱۵-۱۶) برای زندگانی لیلی ایرتش |
| 15. ur-ka-tai-me ta-ak-ki-me d.Li-li- | ۱۶-۱۷) برای زندگانی بر اولی |
| 16. ir-tai-me ta-ak-ki-me f.Ba-ar-d. Ū- | |
| 17. li-me pu-hu ku-i-ik-ù-be a-ak | ۱۷) فرزندان زاده(شده) برای من و |
| 18. f.d.Nah-hu-un-te-ù-tù-be a-a-ni | ۱۸) نهونت اوتو |
| 19. ip ni-ka-be ku-ui hu-hu-un a-pi-e | ۱۸-۱۹) زادگان خانواده ما |
| 20. hi-nu-un-ka in-ti-ik-ka a-ak | ۲۰) نیز |
| 21. su-uh-mu-tù. Lg-ù-ri hu-ut-ta-aah- | ۲۱-۲۲) یادمان خود را ساختم و نام خود را بر آن |
| 22. hi-iu-me a-ha ta-ah a-ak Du-ahi(?)- | ن‌گاشتم و
۲۲-۲۳) برای دوهی ایرلیک، یک ایلامی پرستاری مرا
برگزار کرد |
| 23. ir-li-ik-ma KUR(!). NIM(!)-ir-ra ia-ti- | |
| 24. mu-me hu-ut-ta-di 10(?) + GUR(?) mu-
ru-um.lg | ۲۴-۲۵) ده کورو زمین را هدیه دادم و |
| 25. h.Ma-am(-)an-na in-du-ni-ih a-ak | ۲۵-۲۶) یک گوسپند، یک سوتو آبجو، یک سوتو آرد |
| 26. lu-ui-ku-tù-ma a-ak BĀN UDU.NITĀ.lg
BĀN KAŠ(?) | ۲۷) (به‌عنوان) هزینه (پیشکشی) |
| 27. IŠ.lg ZID.TA.lg gal-li su- | ۲۷-۲۸) برای یادمانم تخصیص دادم. ^۱ |
| 28. Uh-mu-tù.lg.ya uk-ku-me ta-ab | |

۱. عبدالمجید ارفعی، «سنگ‌نوشته شیلهک این شوشینک از سولقان شهر کرد»، ادبیات و زبان‌ها، زبان‌شناخت، س ۱، ش ۱ (بهار و تابستان ۱۳۸۹)، ص ۱-۴.

ظاهراً در میان افراد فوق، با توجه به نظر جورج کمرون، ایشنی کرب بد، اوتو اهیپی پینیگیر و اوروتوک الهلّه دختران شیلهک اینشوشینک بوده‌اند. چنانکه دیده می‌شود، وی بر روی یکی از دخترانش نام الهه ایشنی کرب را گذاشته که معبدش را بازسازی کرده است.^۱ همچنین دیگر دخترش اوتو اهیپی پینیگیر نام دارد که به عقیده هینتس به معنای «من زهدان او را وقف پینیگیر کرده‌ام» است و نشان می‌دهد احساس عمیق خانوادگی شیلهک اینشوشینک ریشه در اعتقادات مذهبی او داشته است.^۲ وی در سنگ‌نوشته‌ای به ساخت معابدی در شوش برای سلامتی اعضای خانواده‌اش اشاره می‌کند که نامشان در کتیبه سولقان نیز آمده است. از نکات قابل توجه این است که در آن فرزندان خود را فقط نام می‌برد، اما از آخرین فرزندش که بر اولی^۳ باشد با «دختر گرامی‌ام، فرزند دوست‌داشتنی» یاد می‌کند.^۴ به احتمال فراوان این دختر مورد علاقه شاه فرزند کوچک خانواده بوده، چرا که اگر به ترتیب دو کتیبه بنگریم دقیقاً بر اولی در هر دو آخرین نفر است. از سوی دیگر شیلهک اینشوشینک در کتیبه‌ای مهره‌ای از جنس سنگ آبی به دختر محبوبش هدیه می‌کند (تصویر شماره ۴). در سمت چپ این کتیبه کوچک تصویر نشسته شاه بر روی صندلی و شاهزاده‌خانم کوچک ایستاده در مقابل او نقش بسته که آماده دریافت هدیه خویش است:

- | | |
|-------------------------------|---|
| 1. Û msil-ha-ak- ^d | من شیلهک اینشوشینک، گسترش دهنده پادشاهی، این |
| 2. In-su-uš-na-ak li- | سنگ یشم را از پورالیش آوردم، آنچه را دقیق و با زحمت |
| 3. Ka-me ri-ša-al-ki i | ساختم در اینجا قرار دادم و به بر اولی دختر عزیزم هدیه |
| 4. la-àš-pu pur-al- | کردم. ^۵ |
| 5. Si-iš hu-ma-ah hu-ut-tak | |
| 6. Ha-li-ik ù- | |
| 7. Me a-ha ta-ah a-ak | |
| 8. Ba-ar- ^d | |
| 9. Û-li pa-ak | |
| 10. Ha-ni-ik ù- | |
| 11. Ri i-du-ni-ih | |

این امر در تاریخ ایلام ناممکن و عجیب نیست و شواهد باقیمانده نشان از نمونه‌های بسیار مهم‌تری در نزد مردم عادی و جامعه ایلامی دارد. مثلاً در اسناد شوش دیده می‌شود پدری که هنوز در قید حیات

۱. کمرون، ص ۹۴-۹۵.

۲. هینتس، ص ۱۲۰.

3. Bar-uli

4. König, p. 92.

5. Edmond Sollberger, "a new inscription of Šilhak-Inšušinak", *Journal of Cuneiform Studies*, Vol. 19, No. 1 (1965), p. 31.

است و تمام اختیار خود را داراست، املاک و مستغلاتش را به دختر محبوبش نرُوتی^۱ می‌بخشد.^۲ ذکر نام نهونته اوتو در بیشتر سنگ‌نبشته‌های شیلهک اینشوشینک یادآور دوره‌های قبل‌تر ایلام و حضور پرننگ ملکه‌ها در امور مملکت است. چه بسا در برخی از موارد فرمانروا هم برای خود و هم برای همسرش بدون ذکر شخص ثالثی خواستار دعای خیر از خدایان شده است. اگر فرضیه هینتس در مورد تعلق نقش برجسته قلعه تل در جنوب ایذه به شیلهک اینشوشینک درست باشد^۳ دیگر شبهه‌ای در مورد قدرت نهونته اوتو باقی نمی‌ماند. در این نقش برجسته شاه و ملکه گویا دستان خود را به نشانه احترام و خوشامدگویی به هم بالا آورده‌اند و در پشت سر هر یک دو دختر و دو پسر که شاید از اعضای خانواده باشند دیده می‌شود. نهونته اوتو حتی در دوره پادشاه بعدی نیز دارای نفوذ بوده است. این را می‌توان در کتیبه هلوئوش اینشوشینک مشاهده کرد که در آن چارچوبی را وقف خدایانش شیموت^۴ و منزت^۵ می‌نماید و از نهونته اوتو با عنوان «مادر بزرگوار» یاد می‌کند.^۶

بعد از شیلهک اینشوشینک برادرزاده‌اش هلوئوش اینشوشیک یا هلوئوش اینشوشینک^۷ به فرمانروایی ایلام رسید. او از عنوان منحصر به فرد «پادشاه ایلام و شوشن» استفاده کرد. از نکات جالب این است که هلوئوش اینشوشینک گرچه صاحب دو فرزند یعنی دختری به نام اوتوک هوت کسن^۸ و پسری به نام تمپتی پیتت^۹ بود،^{۱۰} در کتیبه‌های خود کارهایی را که انجام داده است، برای همسر و یا فرزندان نمی‌داند، بلکه می‌گوید این کارها را «برای زندگی خودم و زندگی برادران و خواهرانم، زندگی پسران برادران و خواهرانم، زندگی دختران برادران و خواهرانم و اعضای خاندانم» کرده‌ام. با این حال، با توجه به دیگر اعمال این پادشاه، یعنی استفاده از القاب متفاوت، بعید نیست که به‌عمد از عنوان فرزندان برادرانش استفاده کرده باشد. درست است که او در کتیبه‌ها از فرزندان خود نامی نمی‌برد، اما این نکته که اشاره‌ای به همسرش نکرده جای تأمل دارد. البته می‌توان فرض کرد که شاید همسرش زودتر از دنیا رفته باشد. اما آنچه مهم‌تر جلوه می‌کند حضور مهم و پرننگ نهونته اوتو در سنگ‌نوشته هلوئوش اینشوشینک است

1. Narubati

2. H. Badamchi, "the care of the elderly in Susa: a study in the Akkadian documents from the Sikkalmah Period", *AKKADICA* 139, fasc. 2 (2018), pp. 162-163.

۳. هینتس، ص ۱۱۹.

4. Shimut

5. Manzat

۶. همان، ص ۱۲۴.

7. Jan Tavernier, "Whats in a name: Hallušu, Hallutaš or Hallutuš?", *Revue d'Assyriologie et d'archéologie orientale*, Vol. 108 (2014), pp. 61-66.

8. Utuk-Hute-Kasan

9. Tempti-Pitet

۱۰. پاتس، ص ۳۸۳-۳۸۴.

که جایگاه والای وی را در طول دوره سه فرمانروای ایلامی نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که تداوم نام ملکه‌ها ابتدا به‌عنوان همسر پادشاه و در دوران شاهان بعدی با عنوان «مادر بزرگوار» بی‌دلیل و تنها از سر احترام نیست، بلکه این موضوع به ما می‌گوید که این زنان رکنی از حکومت و دربار بوده‌اند، در غیر این صورت چه لزومی به ذکر نام آنها در دوره هر پادشاه بود. این موضوع علاوه بر اینکه نشان‌دهنده نقش زنان در مشروعیت‌بخشی به شخص شاه است، در واقع به صورت غیرمستقیم حق آنان را در امور سیاسی و دربار ایلام گوشزد می‌کند.

نقوش برجسته قالبی برجای‌مانده از دوره ایلام میانه نیز بیشتر متعلق به زنان و چه بسا زنان درباری است. این نقوش زنانی را با حالت‌های مختلف نشان می‌دهند؛ برخی با موهای آرایش‌شده و در حالتی که دستانشان را در ناحیه کمر قرار داده‌اند و برخی در حالتی که سینه‌هایشان را گرفته‌اند.^۱ سنت ساخت پیکره‌های زنانی که با دستان خود سینه‌هایشان را گرفته‌اند، به طور متواتر در فرهنگ میان‌رودان، دولت‌شهرهای سومری و نیز در بابل قدیم دیده می‌شود.^۲ در یکی از این نقوش تصویر نیم‌تنه زنی دیده می‌شود که دستانش را در ناحیه کمر در میان هم فرو کرده است که این حالت، همان‌طور که در بالا اشاره شد، شاید به نشانه احترام باشد. این فرم قرارگیری دستان در دوره ایلام نو نیز دیده می‌شود.^۳ به مانند ملکه نیپر اسو، در هر دو دست این بانو النگو و زیورآلاتی وجود دارد. این نشانه‌ها این فرض را به وجود می‌آورد که پیکره مربوط به یک ملکه و یا از بانوان درباری بوده است (تصویر شماره ۵). نقش برجسته دیگری از یک زن، به شکل کامل‌تر، اما بدون سر، نیز در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود که او نیز به مانند نمونه پیشین النگوهایی در دو دست دارد و لباس بلند چین‌داری به تن کرده است. در کَبَنک باستان یا هفت‌تپه امروزی، در محوطه ایلامی مربوط به سده‌های ۱۵ تا ۱۳ پم، سرهای سفالینی یافت شده که در میان آنها سر زنان نیز دیده می‌شود. برای نمونه سر یک زن از جنس گل رس با موهای تزئین‌شده دیده می‌شود که ارتفاع آن سیزده سانتیمتر و عرض آن ده و نیم است.^۴ این داده‌ها از حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی اجتماعی و حتی دینی در کنار مردان در ایلام میانه خبر می‌دهد.

۱. همان، ص ۳۰۴.

۲. سیدرسول سیدین بروجنی، «مادینه پیکرک‌های سفالین قالبی ایلامی: جلوه‌ای از آیین‌ها و باورها»، پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای، ش ۲ (۱۳۸۴)، ص ۴۹.

۳. آرمان شیشه‌گر، آرامگاه دو بانوی عیلامی از *خانان شاه شوتورنهوتته پسر ایند* (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۳۰۹-۳۱۰).
4. Alvarez-Mon, pp. 119-121.

نتیجه‌گیری

براساس منابع و داده‌های باستان‌شناختی، ما از ابتدای دوره ایلام میانه که حدود چهارصد سال را شامل می‌شود، شاهد حضور ملکه و بانوان درباری، به‌عنوان عضو جدانشدنی در کنار شاه، در کتیبه‌ها و یادبودهای پادشاهان هستیم. اگرچه آگاهی ما از وضعیت زنان در اوایل عمر نخستین سلسله این دوره، یعنی دودمان کیدینو، اندک است، در ادامه با قدرت‌گیری تپتی اهر اطلاعات ما بیشتر می‌شود و در این دوره شاهد حضور زنان در معابد به‌عنوان مهم‌ترین مراکز سیاسی ایلام هستیم. از سوی دیگر ذکر نام برخی از زنان درباری در سنگ‌نبشته‌های این دوره حاکی از اهمیت آنهاست. علاوه بر سنگ‌نبشته‌ها، سردیس‌هایی از زنان به دست آمده است که نقش آنان را در امور مختلف پررنگ‌تر می‌کند. در دوران سلسله ایگی هلکی‌ها، در زمان هومین نومن، قدرت زنان و به بیان دقیق‌تر نفوذ آنان در سیاست ایلام به اوج خود می‌رسد. حتی پادشاه اعطای پادشاهی از سوی خدا را مدیون مادر خود می‌داند. در کنار این، با مقایسه ایلام با حکومت‌های همزمان، مانند هیتی‌ها، متوجه نفوذ فراوان ملکه‌های آنان می‌شویم که این خود نیز مدعایی بر نقش فعالانه زنان ایلامی به مانند دیگر هم‌تایانشان در امور سیاسی است.

شاید در کل تاریخ ایلام میانه سرشناس‌ترین زن ملکه نپیر اسو باشد که علاوه بر پیکره، کتیبه‌ای از خود بر جای گذاشته است. این کتیبه به نوعی نشان‌دهنده خروج ملکه از سایه پادشاه است، چون قبلاً در همه موارد پادشاه یادبود می‌نوشت و نام ملکه را ذکر می‌کرد، اما اینک در رویدادی کم‌نظیر خلاف آن روی داده بود. در کنار نپیر اسو، شخصیت برجسته دیگر نهونته اوتو است که در دوره سه پادشاه همواره در کتیبه‌ها نام او پس از پادشاه آمده است و البته در دوره سومین پادشاه شاهد اوج قدرت او هستیم. علاوه بر ملکه‌ها، در دوره شوتروکی‌ها نام فرزندان دختر نیز در کتیبه‌ها دیده می‌شود. در این دوره شوتروک نهونته و شیلهک اینشوشینک، شاهان مهم ایلامی، به نقش پررنگ نهونته اوتو اشاره می‌کنند. نهونته اوتو به‌عنوان «مادر بزرگ» شناخته می‌شده است. در واقع بازتاب نام نهونته اوتو در بیشتر سنگ‌نبشته‌های این سلسله، به‌ویژه در کتیبه‌های شیلهک اینشوشینک، نشان‌دهنده نقش زنان در امر سیاست است.

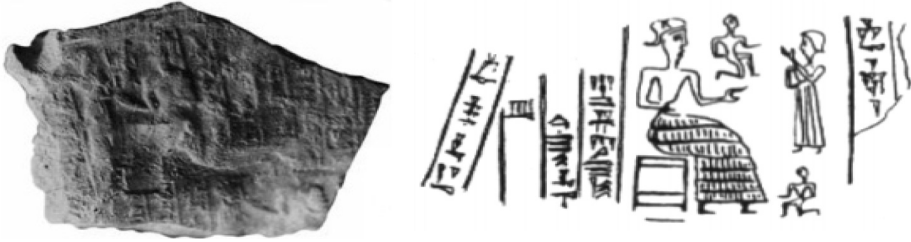
در این پژوهش برای ما آشکار شد که جدای از آمدن نام زنان در کتیبه‌ها، فعالیت‌های آنها در امور مختلف نیز به تصویر کشیده شده است و آنان در نقوش برجسته به همراه پادشاهان و دیگر درباریان حضور دارند. تداوم نام زنان در کتیبه‌ها به نوعی بیانگر نقش فعال آنان در حکومت و دربار ایلامی است و تنها نشانه احترام و یا مشروعیت‌بخشی نیست. در این دوره از تاریخ ایلام زنان درباری به اندازه‌ای برای پادشاهان مهم بودند که آنان را رکنی مهم از حکومت خویش به حساب می‌آوردند.

کتابشناسی

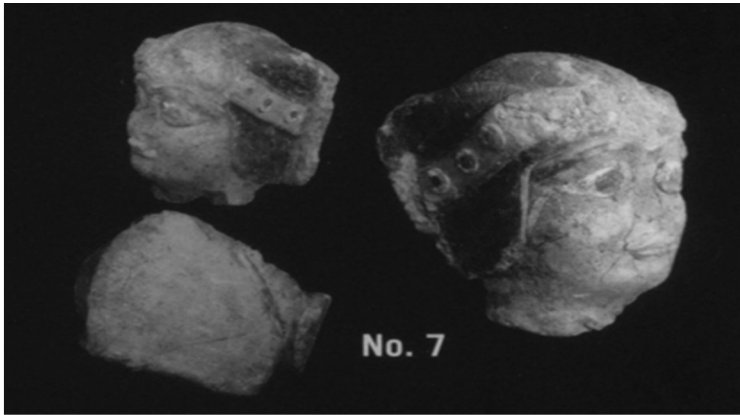
- ارفعی، عبدالمجید. «سنگ‌نبشته شیلهک این شوشینک از سولقان شهرکرد»، *ادبیات و زبان‌ها، زبان شناخت*، س ۱، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۱-۱۰.
- استولپر، ماتیو. *تاریخ ایلام*، ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: توس، ۱۳۸۹.
- اصغری‌پور، سمیرا و زهرا آذری. «بررسی زیورآلات زنان در ایران باستان (عهد عیلامی)»، *پژوهش هنر*، س ۱، ش ۳، ۱۳۹۲، صص ۱۴۱-۱۴۴.
- پاتس، دنیل. *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
- پورادا، ادیت. *چغازنبیل*، ترجمه اصغر کریمی، ج ۴، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۵.
- دادور، ابوالقاسم. «موقعیت اجتماعی و فرهنگی زن در تمدن عیلام»، *زن در فرهنگ و هنر، دوره اول*، ش ۴، تابستان ۱۳۸۹، صص ۹۵-۱۱۴.
- دیاکونوف، ا.م. *تاریخ ماد*، ترجمه بهرام شالگونی، *تاریخ ایران کمبریج*، دفتر اول از جلد دوم، تهران: جامی، ۱۳۹۰.
- سبیرت، ایلسه. *زن در شرق باستان*، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات پژوهنده، ۱۳۷۹.
- سیدین بروجنی، سید رسول. «مادینه پیکرک‌های سفالین قالبی ایلامی: جلوه‌ای از آیین‌ها و باورها»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای*، ش ۲، ۱۳۸۴، صص ۴۵-۵۴.
- شیشه‌گر، آرمان. *آرامگاه دو بانوی عیلامی از خاندان شاه شوتورتهوتته پسر ایندَد*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۹۴.
- کریم، ساموئل. *الواح سومری*، ترجمه داوود رسائی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۵.
- کمرن، جورج. *ایران در سپیده‌دم تاریخ*، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴.
- گیرشمن، رومن. *چغازنبیل (دور اونتاش)*، ترجمه اصغر کریمی، ج ۲، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۵.
- مجیدزاده، یوسف. *تاریخ و تمدن ایلام*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۶.
- نگهبان، عزت‌الله. *حفاری‌های هفت‌تپه دشت خوزستان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۲.
- هینتس، والتر. *دنیای گمشده عیلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا، ویراستار روزبه زرین‌کوب، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۸.
- Álvarez-Mon, Javier. "Elam: Iran's First Empire", *A Companion to the Archaeology of the Ancient Near East*, First Edition, Edited by D.T. Potts., 2012, pp. 740-757.
- Álvarez-Mon, Javier. "Elamite Funerary Clay Heads", *Near Eastern Archaeology*, Vol. 68, No. 3, Archaeology in Iran, 2005, pp. 114-122.
- Badamchi, H. "the care of the elderly in Susa: a study in the Akkadian documents from the Sukkalmah Period", *AKKADICA* 139, fasc. 2, 2018, pp. 159-178.
- Betty, L., and Hildreth J. York. "women in Ancient Art", *Art Journal*, Vol. 35, No. 4, 1976, pp. 345-351.
- Daems, Aurelie. "women of Elam", *The Elamite world*, edited by Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks, New York: Routledge, 2018, pp. 763-781.

- Daneshmand, Parsa, and Meysam Abdoli. "a new King of Susa and Anshan", *Cuneiform Digital Library Bulletin*, 2015, pp. 1-6.
- Fuchs, Andreas. "das Osttigrisgebiet von Agum II bis zum Darius I (ca. 1500-500 BC)", *Between the Cultures: The Central Tigris Region from the 3rd to the 1st Millennium BC*, (Heidelberger Studien zum Alten Orient 14), Heidelberg, 2011, pp. 229-320.
- Grayson, A. K. *Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC II* (858-745 BC), Vol. I, University of Toronto Press, 1935.
- Hüsing, G. *Die einheimischen Quellen zur Geschichte Elams*, Leipzig, 1916.
- König, F. W. *Die elamischen Königsinschriften*, Archiv für Orientforschung, Beiheft 16, Graz: Archiv für Orientforschung, 1965.
- Mäder, M. *Was Elam eine Nation?*, Archäologisches Institut Uni Bern, 2014.
- Malbran-Labat, Florence. "Elamite royal inscriptions", *The Elamite world*, edited by Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks, New York: Routledge, 2018, pp. 464-481.
- Mofidi-Nasrabadi, Behzad. "Elam in the Middle Elamite period", *The Elamite world*, Edited by Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks, New York: Routledge, 2018, pp. 232-249.
- Quintana, Enrique. "the Elemaite Family (the Royal Family Adoption)", *Mundo Elamita CEPOAT University Murcia*. 2016 (https://www.academia.edu/38079914/THE_ELAMITE_FAMILY_THE_ROYAL_FAMILY_ADOPTIONS)
- Reiner, Erica. "inscription from a Royal Elamite Tomb", *Archiv für Orientforschung* 24, 1973, pp. 87-102.
- Roach, K. J. *The Elamite Cylinder Seal Corpus, c.3500 – 1000 BC*, The University of Sydney, 2008.
- Sollberger, Edmond. "a new inscription of Šilhak-Inšušinak", *Journal of Cuneiform Studies*, Vol. 19, No. 1, 1965, pp. 31-32.
- Tavernier, Jan. "Whats in a name: Hallušu, Hallutaš or Hallutuš?", *Revue d'Assyriologie et d'archéologie orientale*, Vol. 108, 2014, pp. 61-66.
- Vallat, F. "Hutelutuš-Inšušinak et la famille royale élamite", *Revue d'Assyriologie*, 1985, pp. 43-50.
- Van Dijk, T. "Die dynastischen Heiraten zwieschen Kassiten und Elamern: eine verhängnisvolle Politik", *Orientalia*, 55, 1986, pp. 159-170.
- Zadok, Ran. "Elam and Babylonia c. 1400–1100 BC", *The Elamite world*, edited by Javier Álvarez-Mon, Gian Pietro Basello, and Yasmina Wicks, New York: Routledge, 2018, pp.

304-323.



تصویر شماره ۱. مهر یافت شده از هفت تپه به شماره ۲۹۳۴ (Roach, p. 472)



تصویر شماره ۲. سردیس زنانه از دوره ایلام میانه (Álvarez-Mon, p. 116)



تصویر شماره ۳. (Daems, p. 765)

نقش سیاسی زنان درباری و دودمان سلطنتی در تاریخ ایلام میانه (۱۵۰۰-۱۱۰۰ پم) / ۱۰۹



تصویر شماره ۴. نقش برجسته یک زن از ایلام میانه، گل پخته، موزه ایران باستان



تصویر شماره ۵. سنگ اهدایی شیلهک اینشوشینک به دخترش بر اولی <https://www.britishmuseum.org>